

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۷

آزادی مطبوعات در منظر حق دسترسی آزاد به مطبوعات

نوشته

جلیل مالکی*

زهره واعظی**

چکیده

همواره چالش اساسی در مطبوعات، تعیین حدود آزادی‌های آنها بوده است. مطبوعات همیشه از یک سو باید منتقد و امر به معروف و ناهی از منکر حکومت‌ها باشند و از سوی دیگر پشتیبان اطلاعاتی و منعکس‌کننده صدای توده مردم باشند؛ لذا تعیین حدود آزادی مطبوعات بسیار مهم و ضروری است.

مطبوعات جزئی از رسانه‌های گروهی هستند که در قانون اساسی به آزادی آنها پرداخته شده است و حتی قانونی به نام همین رسانه‌های گروهی به تصویب رسیده است. در واقع قانون مطبوعات در مقام بیان باید‌ها و نبایدهای عملکردی مطبوعات هستند که حدود آزادی مطبوعات را مشخص کرده است. از سوی دیگر حق دسترسی آزاد به اطلاعات یکی از حقوق بنیادین بشر در اسناد حقوقی ملی و بین‌المللی است که مورد توجه قرار گرفته است. هر شهروند حق دارد با استفاده از مطبوعات و سایر رسانه‌های نشر عقاید و افکار به درست‌ترین اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی و تحولات جهانی دسترسی داشته باشد.

به زعم نگارنده مقاله یکی از عوامل کلیدی تعیین‌کننده حدود آزادی مطبوعات در کنار اخلاق به مبانی اسلام و حقوق عمومی، میزان دسترسی شهروندان به اطلاعات است که در این مقاله به دنبال تبیین تلازم بین آزادی مطبوعات و حق دسترسی آزاد به اطلاعات هستیم.

کلیدواژه: قانون مطبوعات، حق دسترسی آزاد به اطلاعات، آزادی مطبوعات، پاسخگویی، شفافیت.

مقدمه

امروزه رسانه‌ها مرزهای جغرافیایی را کنار زده‌اند و در این میان نقش مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی مطرح شده است. در کشور ما همواره به این مهم نگاه و توجه جدی شده و

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز j_Maleki@iaucpv.ac.ir

** کارشناس ارشد حقوق خصوصی lawyer.vaezi@yahoo.com

تأثیر این رسانه‌ها به رغم وجود رسانه‌های دیگر اعم از دیداری و شنیداری نتوانسته تأثیرگذاری مطبوعات را نادیده و یا کم کند. به هر حال، مطبوعات بنا به رسالتی که همان آگاهی‌سازی جامعه و پاسخگو کردن مسئولان است، دارای حقوقی‌اند و دیگر به راحتی نمی‌توان مانع از اطلاع‌رسانی آن‌ها شد، اکنون بیش از گذشته اهمیت رسانه‌ها اعم از دیداری و شنیداری بر همگان روشن و چون ابزار اساسی و فوق‌العاده تأثیرگذار شناخته شده است که هم در قانون اساسی و هم در قانون مطبوعات برای آن قائل‌اند. لازم است در اهمیت حقوق مطبوعات چند نکته متذکر شد.

۱. طبق بند هشت اصل سوم قانون اساسی، یکی از امور برشمرده در این قانون مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود است و دولت جمهوری اسلامی موظف است وسیله مشارکت مردم را فراهم کند و مشارکت مردم وقتی ممکن است که آگاهی پیدا کنند و یکی از زمینه‌های آگاهی مردم از اقتضائات سیاسی و اقتصادی خویش به حدود آزادی مطبوعات بستگی دارد. امر لازم اصل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک اصل اعتقادی، شناخت و آگاهی از معروف و منکر است لذا یکی از بسترهای این اصل اعتقادی در عرصه عمومی مطبوعات مستقل، قوی، آگاهی‌بخش و آینده‌گراست. مطبوعات وسیله ابراز عقاید موافق و مخالف در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که سبب انتخاب راه‌ها و تحلیل‌های درست و منطقی از انبوه تحلیل‌های سقیم و صحیح می‌شود.

۲. وقتی از حقوق مطبوعات بحث می‌شود نباید اهداف مطبوعات را فراموش کنیم. مطبوعات به عنوان رسانه عمومی، رسالت و اهدافی دارد و طرح آزادی در حوزه آن‌ها باید در چارچوب اهداف‌شان باشد وگرنه آزادی مطلق در اصل نهم یا اصل سوم قانون اساسی آمده است. آزادی در حوزه مطبوعات باید در راستای رسالت و اهداف مطبوعات باشد، باید کارکرد مطبوعات به عنوان رسانه عمومی در جامعه مد نظر قرار گیرد. کارکرد مطبوعات اول برای بالا بردن آگاهی‌های عمومی، فرهنگ و فرهنگ‌سازی است. دو محدودیت برای آزادی مطبوعات در اصل ۲۴ قانون اساسی همانند احزاب بیان شده است اول اینکه مخلّ مبانی اسلام نباشند و دوم مخلّ حقوق عمومی نباشند.

۳. نشر افکار یکی از اهداف مطبوعات است و از آنجایی که افکار یکنواخت نیست، افکار متفاوت، متضاد و گاه همسو یا ناهمسو مطرح می‌شود. باید پشت نشر افکار؛ تنویر افکار باشد؛ یعنی قصد این باشد که افکار روشن شود نه اینکه آشفته شود. نباید به بهانه آزادی مطبوعات حیثیت مطبوعات لگدمال شود. مطبوعات نمی‌توانند به بهانه آزادی بیان، آزادی حقوق افراد را لکه‌دار کنند یا مخلّ مبانی حقوق عمومی باشند. آن‌ها نباید حقوق افراد را دستکاری کنند یا در جامعه، زمینه نقض حقوق عمومی را فراهم کنند. آزادی مطبوعات را باید در کنار تنویر افکار عمومی معنا کرد.

۴. در جمهوری اسلامی برای شروع به کار مطبوعات و همچنین در جریان کار آن‌ها نظارت‌هایی توسط قانون مطبوعات لحاظ شده است. قانون مطبوعات آئنه تمام‌نمای نوع نظارت و پایش جمهوری اسلامی بر مطبوعات است که در ادوار مختلف مورد بحث، جرح و تعدیل قرار گرفته است. فصل الخطاب دعاوی مطبوعاتی، قانون مطبوعات است که میثاق مشترک اهالی رسانه و مطبوعات پنداشته می‌شود.

۵. در مورد حق دسترسی آزاد به اطلاعات باید گفت که اول جریان آزاد اطلاعات از حقوق فردی هر انسانی و از ضروریات حقوق بشر است. دوم جریان اطلاعات نباید ابزار دیگری در دست دولت‌ها باشد و سوم آزادی کامل رسانه‌ها موجب آگاهی کامل شهروندان، نظارت بر فعالیت‌های دولت، انعکاس افکار عمومی، انتقادات و توسعه اقتصادی و اجتماعی خواهد بود.

۶. سؤال اصلی در این مقاله آن است که حدود آزادی مطبوعات چیست و آیا تلازمی بین حق دسترسی آزاد به اطلاعات به عنوان یکی از حقوق مهم شهروندی و آزادی مطبوعات وجود دارد؟

۱. مطبوعات و جایگاه قانونی آن‌ها

مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران طی ۲۷ سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی دارای فراز و نشیب‌های متعددی بوده است. در رژیم محمدرضا پهلوی، مطبوعات اولاً در تعداد بسیار اندک و دوماً در سانسور مطلق خبری قرار داشتند و به هیچ وجه منعکس‌کننده نظریات مردم نبود و انتقاد به حکومت، جایی در مطبوعات نداشت. نهضت اسلامی مردم مسلمان ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) بر مطبوعات و روزنامه‌نگاران ایران نیز تأثیر گذاشت؛ به طوری که اکثریت قریب به اتفاق مطبوعات ایران در تاریخ ۱۳۵۷/۹/۸ یعنی کمتر از ۳ ماه به پیروزی انقلاب اسلامی دست به اعتصاب یکپارچه زدند و بدین‌وسیله با انقلاب اسلامی همراه شدند. پیش از انقلاب جمعی ۷۴ نشریه (روزنامه و مجله) در ایران منتشر می‌شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، مطبوعات و رسانه‌های گروهی از اهمیت خاصی برخوردار شدند. تبلور این اهمیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به خوبی مشهود است. در اصل ۲۴ قانون اساسی آمده است: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند.» قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی نیز می‌گوید: «رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد عبارت است از:

- روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم.
- پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.
- تلاش برای نفی مرزبندی‌های کاذب و تفرقه‌انگیز و قرار ندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته‌بندی مردم براساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و ...

- مبارزه با مظاهر فرهنگ استثمار (اسراف، تبذیر، لغو تجمل پرستی، اشاعه فحشا و...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی.
- حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی و نه غربی.

ماده سوم همین قانون، حقوق مطبوعات را چنین برمی شمرد: «مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند».

ماده چهار این قانون نیز می گوید: «هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.» علاوه بر آن، بررسی نظرات حضرت امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که ایشان به نقش و جایگاه والای رسانه‌ها و از جمله مطبوعات در تحولات جامعه اعتقاد داشتند و به عقیده ایشان مطبوعات در اصلاح و یا انحراف جامعه و کشور تأثیر بسزایی داشته باشند و به همین دلیل مطبوعات را می‌توان یکی از مهم‌ترین نقش‌آفرینان دنیای کنونی دانست. استراتژی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای الویت بخشیدن به فعالیت‌های رسانه‌ای و آزادی بیان قرار دارد به‌ویژه باز کردن عرصه برای مطبوعات طبق قانون و در صورتی که مخل آزادی دیگران نباشد. نتیجه این سیاست، تکثر سیاسی، افزایش سطح رقابت‌های سیاسی، تحمل دیدگاه‌های مختلف، استقبال از دیدگاه‌های رقیب، تأکید بر نقش نظارتی افراد، احزاب و مطبوعات، ورود رسانه‌ها به امر تحقیق و تفحص و پیگیری امور مختلف اجتماعی، طرح دیدگاه‌های انتقادی نسبت به دولت و دولتمردان و در نهایت پاسخگو شدن دولت در مقابل مطالبات و خواسته‌های مردم بوده است.

مطبوعات در کشور ما یکی از ابزارهای فرهنگی، مدافع و نشر دهنده ارزش‌های فرهنگ اسلامی ایرانی محسوب می‌شوند. بی‌تردید ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی با استفاده صحیح از مطبوعات امکان‌پذیر است. فعالیت آزاد مطبوعات در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سازنده و جهت‌دهنده افکار عمومی است و اصل آزادی مطبوعات و حدود و قیود آن در اصل ۲۴ قانون اساسی انعکاس یافته است به همین دلیل تحلیل مفاهیم به کار رفته در این اصل و تبیین دلالت‌های آن به منظور تعیین مبانی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی در حوزه مطبوعات، ضروری است. مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل له مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشند» بدین ترتیب در اصل ۲۴ قانون اساسی، اصل بر «آزادی مطبوعات» است و محدودیت‌های آن، به عنوان استثنای این اصل می‌بایست مورد توجه قرار گیرند. بخش مهمی از قانون مطبوعات فعلی نیز به تبیین و ذکر حدود و مصادیق و تدقیق اصل ۲۴ قانون اساسی اختصاص دارد. در ذیل ماده ۶ قانون

مطبوعات آمده است که نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی، خصوصی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند.

۱. نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

۲. اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.

۳. تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.

۴. ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.

۵. تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج.

۶. فاش کردن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحقاقات نظامی، انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیر علنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی.

۷. اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.

۸. افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

۹. سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به نحوی که تبلیغ از آن‌ها باشد (حدود موارد فوق را آیین نامه مشخص می‌کند).

۱۰. استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوی تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیر قانونی.

۱۱. پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا مطالب تحریف دیگران.

۱۲. انتشار مطلب علیه قانون اساسی (قانون مطبوعات، ۱۳۸۶: ۱۲).

۱.۱. نظریه‌های آزادی مطبوعات

طبقه‌بندی‌های مختلفی توسط صاحب‌نظران آمریکایی و اروپایی در مورد نظریه‌ها و نظام‌های آزادی و کنترل مطبوعات و سایر رسانه‌ها، ارائه شده است. نگرین معتقد است: «در بین وسایل ارتباط جمعی، تنها مطبوعات است که از چندین نظریه برای تبیین و توجیه کنش‌ها و اهدافش برخوردار است. سایر رسانه‌ها به گونه‌ای متناسب با الزامات خود همواره از این نظریه‌ها سود جسته‌اند.»

در مورد این نظریه‌ها اختلافات جزئی وجود دارد. عده‌ای این نظریه‌ها را به دو دسته اقتدارگرایی و آزادی‌گرایی تقسیم و در مقابل، فردیسیرت، تئودر پیترسون و ویلبر شران این

نظریه‌ها را به چهار دسته تقسیم می‌کنند: نظریه اقتدارگرایی، نظریه آزادی‌گرایی، نظریه مسئولیت اجتماعی و نظریه کمونیستی روسی.

دومینیک این نظریه‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند: اقتدارگرایی، آزادی‌گرایی و مسئولیت اجتماعی. اما از این میان، الگوی چهار مفهومی سیرت، شرام و پیترسون، نقطه عزیمت بحث‌ها و نقادی‌های فراوانی واقع شد. متفکران برجسته آزادی مطبوعات، با نقد این الگو، الگوهای دیگری ارائه کردند. از جمله این الگوهای جدید می‌توان به الگوی پنج مفهومی رالف لاونشتین اشاره کرد: اقتدارگرایی، اقتدارگرایی اجتماعی، آزادی‌گرایی، آزادی‌گرایی اجتماعی، سترالیسم اجتماعی.

الگوی سه مفهومی هربرت آلتشول: بازار [جهان اول]، مارکسیستی [جهان دوم] و در حال توسعه [جهان سوم] و الگوی تلفیقی رابرت پیکارد (اقتدارگرایی غربی، کمونیستی، انقلابی و توسعه‌ای) نیز از این قبیل‌اند.

نگرین معتقد است، در نتیجه محدودیت‌های نظریات ذکر شده، دو نظریه دیگر نیز اضافه شده است: نظریه رسانه توسعه‌ای (متناسب با وضعیت کشورهای جهان سوم) و نظریه رسانه مشارکتی مردم‌سالار (که این نظریه در ادامه نظریه آزادی‌گرایی در جهت رهایی رسانه‌ها، به ویژه مطبوعات از کنترل افراد معدود، دیوان‌سالاری دولتی و سیاست‌های متمرکز، به وجود آمد.

از میان این نظریات گوناگون، الگوی چهار مفهومی سیرت و همکارانش، کماکان بر نظریه‌های مطبوعات سایه افکنده است (افروغ، ۱۳۸۰: ۲۰). سیرت و همکارانش این الگو را یک دهه بعد از تشکیل کمیسیون آزادی مطبوعات در دانشگاه شیکاگو، در چارچوب یک طرح مطالعاتی درباره "مسئولیت‌های اجتماعی ارتباطات جمعی" مطرح کردند و در کتاب چهار نظریه مطبوعات تدوین و منتشر شد:

۱. **نظریه اقتدارگرایی.** این نظریه که به لحاظ تاریخی بیشترین تداوم و به لحاظ جغرافیایی بیشترین گسترش را داشته است، در قرن شانزدهم و بخش اعظم سال‌های قرن هفدهم عموماً مورد قبول بوده است. براساس این نظریه مطبوعات خدمتگزار دولت شناخته‌شده و هر زمان، در برابر محتوای مندرج در آن‌ها راجع به صاحبان قدرت، مسئولیت دارند. این نظریه که تقویت‌کننده و پیش‌برنده سیاست‌های مورد نظر حکومت و دولت حاکم بوده، ناشر را موظف به اخذ مجوز از دولت، برای انتشار کرده و به حاکم، اجازه سانسور قبل از انتشار می‌داد.

مالکیت مطبوعات در دوره سیستم اقتدارگرا، معمولاً در دست دولت‌ها بود ولی در مواردی معدود و از طریق اجازه‌های خاص، مالکیت خصوصی مطبوعات مجاز بوده است.

۲. **نظریه آزادی‌خواهانه.** سده هیجدهم شاهد تحقق نظریه‌ای موسوم به آزادی‌گرایی بود؛ که در قرن نوزدهم، جریان یافت. بر مبنای این نظریه، مطبوعات ابزار حکومت نبوده؛ بلکه وسیله عرضه واقعیت‌ها و استدلال‌ها است و براساس آن‌ها مردم می‌توانند حکومت را مورد

نظارت قرار داده و اذهان خود را برای ارزیابی سیاسی آن آماده سازند. براساس این نظریه، هرکسی که استطاعت داشته باشد، می‌تواند مطلبی را نشر دهد و انتشار، مجوز از دولت نمی‌خواهد. در نظریه آزادی‌خواهی، مطبوعات، عمدتاً خصوصی هستند و رسانه‌ها وسایلی برای نظارت بر دولت و برآوردن نیازهای جامعه هستند.

۳. **نظریه مسئولیت اجتماعی.** در قرن بیستم در آمریکا این فکر به وجود آمد که رسانه‌ها تنها صنعت منحصر به فرد برای محافظت از منشور حقوق شهروندان هستند و باید به تعهد اجتماعی پای‌بند باشند. این نظریه که از سوی کارورزان رسانه‌ها و قوانین رسانه‌ها و تحت‌تأثیر کمسیون آزادی مطبوعات کامل شد، بر آن است که علاوه بر اطلاع‌رسانی، سرگرمی و فروش (مانند نظریه آزادی‌خواهانه)، رسانه‌ها باید موجب تضارب آراء شده و مباحث را رشد دهند. این نظریه معتقد است، هر شخصی که سخن مهمی دارد، باید یک تربیون آزاد در اختیار داشته باشد و اگر رسانه‌ها این وظیفه را انجام ندهند، باید کسی مراقب باشد، تا آن‌ها این کار را انجام دهند. در این نظریه رسانه به وسیله عمل مصرف‌کننده، عقاید جامعه و اخلاق حرفه‌ای کنترل می‌شود و در بخش پخش به خاطر محدودیت‌های فنی که در تعداد فرکانس‌ها وجود دارد، توسط مراجع دولتی کنترل می‌شود. بر اساس این نظریه آزادی مثبت مورد تأکید قرار گرفته، آزادی بیان، حق اخلاقی محسوب شده و نمی‌تواند به صورتی لجام گسیخته به هر سو روانه شود. این مطلب بر عکس نظریه آزادی‌گرایی است؛ که بر آزادی از هرگونه قید و بند بیرونی تأکید دارد.

۴. **نظریه توتالتر روسی (تمامیت‌خواه شوروی).** این نظریه که با فروپاشی شوروی افول کرد و عمدتاً به سال‌های پیدایش نازیسم، به ویژه حکومت کمونیستی در شوروی برمی‌گردد، اعتقاد داشت که هدف اصلی مطبوعات، کمک به تداوم نظام سوسیالیستی شوروی و به ویژه نظام حزبی بوده است. بر این مبنای مالکیت رسانه‌ها، دولتی بوده فقط اعضای وفادار و ارتدوکسی حزب کمونیست، به آن دسترسی داشتند و رسانه‌ها کاملاً تحت کنترل و نظارت دولت به فعالیت خود ادامه داده و هرگونه انتقاد آن‌ها از دولت به شدت ممنوع بود. (معمدنژاد، ۱۳۸۵: ۲۲۰).

۲. حق دسترسی آزاد به اطلاعات

عصر جدید، عصر جهانی‌شدن، در ادامه رشد دنیای مدرن و صنعتی متولد شده است. این عصر نه به درخواست کسی متولد شده است، و نه به درخواست کسی متوقف خواهد شد. تولد تکنولوژی‌های مخابراتی و انفورماتیک به این پدیده شتاب بخشیده است. در ستون فقرات این عصر جدید کمپانی‌های فراملیتی قرار دارد که باید بتوانند، آزادانه در سراسر دنیا به تولید و توزیع پرداخته، با یکدیگر رقابت کنند. روزانه بیش از هزار میلیارد دلار پول در دنیا جابه‌جا می‌شود. ماهواره و اینترنت سرعت انتقال وقایع و حوادث را به لحظه کاهش داده‌اند. چرخش

آزاد ثروت و اطلاعات از مهم‌ترین مشخصات این عصر است ولی این وقتی اتفاق می‌افتد که چرخش آزاد قدرت نیز با آن‌ها همراه شود. بنابراین اقتصاد آزاد، حقوق بشر و دموکراسی سه جزء جدایی‌ناپذیر این عصر هستند. حقوق شهروندی جدید بر این سه پایه تعریف می‌شود. نقش سنتی دولت‌های ملی در حال کاهش است. مرزهای ناسیونالیستی، خط‌کشی‌های قومی و مرزبندی‌های مذهبی همگی در حال رنگ باختن در یک هویت جدید بشری و تعریف جهانی از حقوق شهروندی هستند. دنیای آینده دنیایی است که افراد بر اساس حقوق شهروندی جدید در نهادهای مدنی بین‌المللی از حقوق فردی خود در مقابل سازمان‌های بین‌المللی اجرایی محافظت می‌کنند.

در دوره پس از جنگ جهانی دوم، تفوق سیاست بین‌المللی آمریکا و مخصوصاً نفوذ شدید آن در سازمان ملل متحد باعث شده بود که مسائل مربوط به اطلاعات و ارتباطات در سطح جهان در قالب ایدئولوژی‌ها و الگوهای خاص غربی همچون جریان آزاد اطلاعات مطرح شود. از سال ۱۹۴۸ که با زمینه‌سازی قبلی و پشتیبانی مستقیم آمریکا "کنفرانس بین‌المللی سازمان ملل متحد درباره آزادی اطلاعات" در ژنو برگزار شد و اعلامیه جهانی حقوق بشر در مجمع عمومی ملل متحد به تصویب رسید، بر اساس ماده ۱۹ این اعلامیه درباره آزادی اطلاعات، نظم بین‌المللی حاکم بر ارتباطات جهانی بر مبنای جریان آزاد اطلاعات گذاشته شد. در طول دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ تحت تأثیر دیپلماسی فرهنگی آمریکا که بر جریان آزاد اطلاعات بنا نهاده شده بود، این کشور توانست در زمینه ارتباطات بین‌المللی و اطلاعات جهانی نوعی سلطه بلا معارض به دست آورد.

در زمینه جریان آزاد اطلاعات دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. به‌طوری که عده‌ای از کشورها موافق این جریان و عده‌ای از کشورها مخالف جریان آزاد اطلاعات هستند. مهم‌ترین سندی که موافقان این دیدگاه به آن استناد می‌کنند، ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ است، که چنین مقرر می‌دارد: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد. این حق شامل آزادی حفظ عقاید، مصون از تعرض و جست‌وجو، کسب اظهار اطلاعات و اندیشه‌ها از هر طریق و بدون توجه به مرزها است». این ماده به روشنی آزادی اطلاعات را به صورت "مطلق" مقرر می‌دارد و عبارات "هرکس"، "اظهار اطلاعات"، "از هر طریق" و "بدون توجه به مرزها" به خوبی نمایانگر اطلاق این ماده است. این ماده با ذکر کلمه "هرکس"، هرگونه محدودیتی را در مورد منشأ اطلاعات ممنوع ساخته است. با به‌کارگیری واژه "اطلاعات و اندیشه‌ها" هیچ‌گونه محدودیتی برای دلخواه بودن اطلاعات ارسالی قائل نشده است. از عبارت "از هر طریق" و "بدون توجه به مرزها" استفاده شده، که نه فقط شیوه انتقال اطلاعات اهمیتی ندارد، بلکه هیچ قلمرو جغرافیای سیاسی نیز نمی‌تواند آن را محدود سازد. طرفداران این نظریه استدلال‌های دیگری نیز برای اثبات ادعای خود اقامه کرده‌اند، که عبارت‌اند از:

الف. جریان آزاد اطلاعات از حقوق فردی انسانی و از ضروریات حقوق بشر است.

ب. جریان اطلاعات نباید ابزار دیگری در دست دولت‌ها باشد.
ج. آزادی کامل رسانه‌ها موجب آگاهی کامل شهروندان، نظارت بر فعالیت‌های دولت، انعکاس افکار عمومی، انتقادات و توسعه اقتصادی و اجتماعی خواهد بود.

اولین انتقادات علیه سوءاستفاده کشورهای بزرگ سرمایه‌داری غربی از نظریه جریان آزاد اطلاعات در سال ۱۹۶۸ از طرف محققان غربی و جهان سوم مطرح شد و از ضرورت ایجاد یک "جریان متعادل اطلاعات" در سطح دنیا سخن به میان آمد. در شانزدهمین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو که در پاییز ۱۹۷۰ در پاریس برگزار شد، برای نخستین بار سیاست "جریان آزاد اطلاعات" از سوی تعدادی از دولت‌های عضو این سازمان جهانی مورد انتقاد قرار گرفت. ایراد مهمی که به این اصل وارد شده این است، که آزادی اطلاعات مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر فقط ناظر بر روابط افراد با یکدیگر و با دولت‌هاست و ربطی به رابطه دولت با دولت ندارد و در حقوق بین‌المللی نیز محلی از اعراب ندارد.

حق دسترسی به اطلاعات، یکی از حقوق بنیادین بشر در اسناد حقوقی ملی و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. هر شهروند حق دارد با استفاده از مطبوعات و تکنیک‌های جدید نشر عقاید و افکار به درست‌ترین اخبار و اطلاعات داخلی و خارجی و تحولات جهان دسترسی داشته باشد. این حق از سال‌ها پیش مورد توجه تئوریسین‌های حقوقی و سیاسی بوده است و از آن رو که از سویی با جایگاه و حدود دولت و از سوی دیگر به مردم مربوط می‌شده است، در حقوق عمومی مورد بحث و توجه بوده است. همواره سانسور، ابزاری در دست حاکمان زورگو و خودکامه بوده است و بر انتشار آن‌ها نظارت داشته‌اند و از اطلاع و آگاهی مردم ترسیده‌اند. چرا که پایه حکومت استبداد بر جهل و فقر مردم استوار است و اگر این دو پایه بلغرد، ستون‌های حکومت جور فرو خواهد ریخت.

اسلام از ابتدای بعثت نبی اسلام (ص) جایگاه آگاهی، علم و تعقل را تقدیس و تکریم کرده است و مردم را به مشاهده، شنیدن و علم‌آموزی دعوت کرده است و راه یافتن حقیقت و سعادت را در شنیدن نظرات مختلف و تبعیت از احسن اقوال، دعوت کرده است: «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» در بسیاری از کتب حدیث نیز در باب اول به عقل و جهل پرداخته است. اما این اهمیت به آزادی بیان و مطبوعات در طول تاریخ با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است و گاه حد این آزادی به شدت ضیق و گاه وسعت شدیدی یافته است. اما همگان بر این امر واقف و متفق‌اند که این حق نیز همچون سایر حقوق انسان دارای حدود و استثنائات است. اخلاق عمومی، نظم اجتماعی، حقوق دیگران برخی از این استثنائات هستند که همه دولت‌ها بر آن اتفاق نظر دارند.

با گسترش رسانه‌ها و ابزارهای اطلاع‌رسانی این بُعد از حقوق انسانی بیشتر مورد توجه قرار گرفته و از شکل بسیط و اولیه آن به صورت قوانین و آئین‌نامه‌های تخصصی در حوزه

رسانه‌های مختلف در آمده است. قوانین مطبوعات، قانون اداره صدا و سیما، قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره و نیز آیین‌نامه ساماندهی سایت‌های اینترنتی بخشی از قوانینی هستند که در باره رسانه‌ها، حدود و اختیارات‌شان مصوب شده‌اند.

میان حق بیان و عقیده و حق دسترسی به اطلاعات ربط بسیار وثیقی است و باید گفت که دو روی یک سکه‌اند و دو بعد از یک حق کلی‌ترند که همانا حق آزادی اطلاعات یا آزادی ارتباطات است. بسیاری از محققان فرانسوی مادهٔ یازده اعلامیهٔ حقوق بشر و شهروندی را قابل انطباق بر تمام امکانات و وسایل ارتباطی شناخته‌اند و آن را معرف آزادی ارتباطات به صورت عام (آزادی بیان، آزادی کلام، آزادی مطبوعات، آزادی اطلاعات و ...) دانسته‌اند (ارتباطات الکترونی و حق آزادی بیان، معتمدنژاد). حق دسترسی بدون حق انتشار و بیان و حق انتشار و بیان بی‌آنکه حق دسترسی وجود داشته باشد، عبث و مهمل خواهد بود. از همین روست که در دسته‌بندی حقوق بشر، حق وصول به حقایق و اخبار و اطلاعات را زیر مجموعهٔ حق آزادی فکر، عقیده و بیان (در معنای اعم آن) می‌آورند. (طباطبائی مؤتمنی، ۹۹). برخی دیگر نیز آزادی مطبوعات و رسانه‌های گروهی را برای انتشار و دسترسی به اطلاعات به عنوان بخشی از آزادی‌های سیاسی و ابزار نظارت مردم بر دولت (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۵۷) و برخی دیگر آن را جزء آزادی‌های فردی می‌دانند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۳۲).

با همهٔ این اوصاف، امروزه جایگاه این آزادی بسیار اهمیت یافته است و هر ساله کنفرانس‌های مختلفی که در حوزهٔ رسانه‌ها برگزار می‌شود، نگاهی به وضعیت حقوقی آزادی جریان اطلاعات در جهان دارد. تقریباً در تمام کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق بشر نیز این آزادی مورد بحث و توجه بوده است و سانسور و فیلترینگ را امری غیر انسانی و سرکوبگرانه تلقی کرده‌اند.

۲. ۱. اهمیت و تأثیرات جریان آزاد اطلاعات در عرصهٔ سیاست

در میان بیان‌های دموکراسی "آزادی اطلاعات" و مؤلفهٔ اصلی آن "حق دسترسی به اطلاعات"، به معنای توانایی شهروندان در دسترسی به اطلاعاتی است که در اختیار حکومت است. چندان که آزادی اطلاعات و حق دسترسی به "اکسیژن دموکراسی" تعبیر می‌شود. امروزه این اصل پذیرفته شده که اگر شهروندان "برخوردار از اطلاعات"، "علاقه‌مند" و "درگیر مسائل حیات اجتماعی" باشند، دموکراسی کارکرد بهتری خواهد داشت. این سه مؤلفهٔ مهم بر یکدیگر تأثیر متعامل و تقویت‌کننده دارند. برخی صاحب‌نظران نقش اطلاعات در زندگی دموکراسی را به کارکرد "پول" در اقتصاد جامعه تعبیر کرده‌اند. شهروندان "برخوردار از اطلاعات" می‌توانند دربارهٔ زندگی سیاسی خود به گزینش‌ها و انتخاب‌های بخردانه‌ای دست بزنند. همچنین آنان به کمک اطلاعات بهتر می‌توانند به استدلال و یا ارزیابی استدلال‌ها بپردازند.

یکی از موضوعات اساسی در گفتمان دموکراسی مشارکتی، تحقق مفهوم شهروندی است. آنچه به مفهوم شهروندی تحقق می‌بخشد، برخورداری افراد جامعه از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. لازمه تحقق یک حکومت باز، کاستن از دامنه قدرت دولت در برابر شهروندان است. در عین حال اعمال قدرت مردم و کاستن از خودرأیی حکومت تنها در شرایطی میسر است، که مردم از آنچه حکومت بدان مشغول است آگاه باشند. به رسمیت شناختن آزادی اطلاعات به عنوان یک حق بنیادین بشر، دو نتیجه مهم را در پی دارد:

نخست، اطلاعات ابزاری برای تأمین منافع حکومت‌کنندگان و سیاست‌گذاران نیست و باید از آن در جهت تأمین منافع عموم بهره گرفت. استدلال چنین است، که در یک جامعه دموکراتیک، دولت نه مالک بلکه امانت‌دار اطلاعات است. در چنین جوامعی شهروندان به حکومت خود اعتماد می‌کنند، تا اطلاعات را در جهت منافع آنان گردآوری و مرتب کنند.

دوم، اصل برخورداری همگان از حداکثر آزادی اطلاعات است. کسانی که قائل به استثنا در این باره‌اند، باید دلایل توجیهی ارائه دهند. به این ترتیب اطلاعات در دوران جدید نه فقط یک کالای عمومی بلکه یک منبع عمومی هم به شمار می‌آید. اگر قرار باشد افراد جامعه نقش فعال‌تر و مسئولیت‌های بزرگ‌تری را در سازماندهی جامعه بر عهده بگیرند، باید بتوانند بر پایه اطلاعات جامع، آزادانه اندیشه کنند و به تبیین و تدوین نظریه‌های خود بپردازند.

از آنجایی که حکومت‌ها به طور سنتی حافظ اطلاعات بوده‌اند، در پرتو اجرای قوانین آزادی اطلاعات، آنان به تدریج به واسطه‌های اطلاعات تبدیل خواهند شد. آزادی اطلاعات، دولت‌ها را از نهادهایی که به طور سنتی کار خود را در خفا به انجام می‌رسانند، به نهادهای شفاف تبدیل می‌کند. در عصر جدید جریان آزاد اطلاعات منجر به دیپلماسی دیجیتالی شده است. دیپلماسی دیجیتالی عبارت است از: اثر گذاری، اقناع و انگیزش بازیگران با جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل، پردازش و توزیع اطلاعات در زمان (سرعت) مناسب، بدون محدودیت مکانی از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات در جهت منافع ملی.

حوزه فعالیت دیپلمات‌ها در دیپلماسی دیجیتالی به درون وزارت خارجه، سفارت‌خانه، کشور محل مأموریت و نهادهای بین‌المللی محدود نمی‌شود. سرعت در تصمیم‌گیری و اقدام از مشخصات بارز این دیپلماسی است. در این دیپلماسی مخاطبین به مقامات، دیپلمات‌های دیگر، ارباب جراید و رسانه‌ها و گروه‌های بانفوذ، سازمان‌های غیر دولتی کشور پذیرنده محدود نمی‌شود. بلکه هر فرد یا گروهی از هر نقطه جهان در حوزه اقدام یک دیپلمات قرار می‌گیرند.

جریان آزاد اطلاعات به شکل‌گیری جغرافیای جدید جهانی منجر شده است. جین ماری گونو معتقد است: «انقلاب ناشی از ICT جهانگرایی و یونیورسالیسم جدیدی را به وجود آورده است، که قلمروهای حاکمیت را تخریب خواهد کرد. در این عصر طبیعت قدرت دگرگون می‌شود و بالأخره اینکه برای نهادهای سیاسی، کاربردهای جدیدی کشف می‌شود.» وی معتقد

است که در عصر اطلاعات قلمرو جغرافیایی دیگر اساس قدرت محسوب نمی‌شود، بلکه ضمانت کافی برای برقراری امنیت را هم در بر ندارد. حال اینکه امنیت قلمروها فقط در صورتی قابل دستیابی است، که کشورها بتوانند خودشان را به داخل جوامع با مرزهای دروازه‌بندی شده عظیم انتقال دهند.

۲.۲. اهمیت و تأثیرات جریان آزاد اطلاعات در عرصه اقتصاد

جریان آزاد اطلاعات که باعث توسعه شبکه‌های اطلاعاتی و اقتصاد اطلاعاتی شده، اطلاعات اقتصادی فوق‌العاده‌ای را در اختیار افراد، گروه‌ها و شرکت‌ها قرار داده است. تحصیل چنین اطلاعاتی جنبه استراتژیک اقتصادی پیدا کرده است. خود اطلاعات نیز به صورت کالای اقتصادی مورد داد و ستد قرار گرفته است. مثلاً شبکه‌های اطلاعاتی، گردش پول را در بازارهای دنیا تغییر داده است، و خرید و فروش سهام تجارتي در سطح جهانی برای همه سرمایه‌داران و سرمایه‌گذاران امکان‌پذیر شده است. در حالی که دولت‌ها و بانک‌های مرکزی تسلط سابق خود را در مورد اداره گردش پول از دست داده‌اند، کمپانی‌های بزرگ و افراد بانفوذ از طریق شبکه‌های اطلاعاتی، آزادی بی‌نظیری در نقل و انتقال پول و سهام اوراق بهادار پیدا کرده‌اند. توسعه جریان آزاد اطلاعات شکاف قبلی بین ثروتمند و فقیر را وسیع‌تر کرده است، به طوری که طبقه فقیر اقتصادی به طبقه فقیر اطلاعاتی امروزی تبدیل شده است.

رابرت بی‌رایش وزیر کار دولت کلینتون می‌گفت: «ما در شرایطی زندگی می‌کنیم، که سیاست و اقتصاد، قرن آینده را به کلی تغییر خواهد داد و دیگر محصولات ملی، شرکت‌های ملی و صنایع ملی وجود نخواهد داشت. تنها عاملی که در مرزهای ملی باقی خواهد ماند، مردمی هستند که ملتی را تشکیل می‌دهند. دارایی‌های اصلی هر ملتی مهارت‌ها، بینش‌ها و شناخت‌های شهروندانش خواهد بود.»

جریان اطلاعات این امکان را فراهم کرد، که با استفاده از وسایل ارتباطی، رفت و آمد مردم به مراکز کار تقلیل یابد. در عین حال با احداث خدمات اطلاعاتی در بخش‌های مختلف زندگی، مشاغل و کارهای جدید افزونی یابد. در عصری که به دلیل مکانیزه و کامپیوتری شدن کارخانجات، کارگاه‌ها، بنگاه‌ها و بانک‌ها، میلیون‌ها شغل معمولی از بین رفت و بیکاری وسعت پیدا کرد. با جهانی‌شدن اقتصاد و تولید و توزیع کالاها بازار کارگران مورد نیاز از مرزهای ملی گذشت و به کشورهایی که دستمزد ارزان قیمت‌تری دارند انتقال یافت. کمپانی‌های عظیم اطلاعاتی و ارتباطی، خود از جمله منابع تقلیل مشاغل و عامل مهمی در جریان لاغر کردن مؤسسات هستند. مثلاً شرکت مخابراتی آمریکا به نام "T&T" در آغاز سال ۱۹۹۶ اعلام کرد، که ۴۶ هزار نفر از کارکنان خود را از کار بر کنار می‌کند. این اواخر شرکت‌های اتومبیل‌سازی در آلمان و ژاپن و شرکت عظیم جنرال الکتریک دست به کاهش نیروی انسانی و تقلیل هزینه‌های خود زده‌اند.

بنا به دلایل زیر جریان آزاد اطلاعات در مؤسسات مالی دارای اهمیت می‌شود: هزینه‌های مالی و نرخ بهره کاهش می‌یابد. نقدینگی اعتبارات، امنیت و اطمینان سیستم‌های مالی افزایش می‌یابد. اطلاعات موجود به مؤسسات مالی امکان می‌دهد، تا به نحوی مناسب جلوی فعالیت‌های نامشروع را بگیرند، از مشتریان حمایت کنند، از نیازهای مشتریان آگاهی یابند و در جهت توسعه و بهبود تولیدات و خدمات خود، گام‌های اساسی بردارند. تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی باعث می‌شود، نیاز به سرمایه‌های کلان در جهت تولید کالاها و خدمات مشابه کاهش یابد، و شرکت‌ها و مؤسسات، سرمایه خود را در زمینه توسعه ابداعات و خلاقیت‌ها صرف کنند. جریان آزاد اطلاعات باعث می‌شود، که بازار بر اساس نیازها و خواسته‌های مشتریان تداوم داشته باشد. در این مورد گرین اسپان (Green span) بر پتانسیل بازار در پاسخگویی بر نیازهای مشتریان در جهت افزایش حمایت از آنان تأکید می‌کند.

۳. ۲. اهمیت و تأثیرات جریان آزاد اطلاعات در عرصه فرهنگ

یکی از تأثیرات جریان اطلاعات، توسعه صنایع فرهنگی است. شبکه عظیم "آنزیت" که قبلاً برای مبادله اطلاعات بین دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقی و ادارات دولتی آمریکا تأسیس شده بود، امروزه وسعت جهانی پیدا کرده است و یکی از مهم‌ترین بزرگراه‌های ارتباطی و اطلاعاتی نه فقط در خدمت تحقیقات مختلف علمی و تبادل پژوهش‌های دانشگاهی است، بلکه از طریق مؤسسات تبلیغاتی، تجاری و تفریحی وسیله مهمی در بازاریابی و خرید و فروش است. بسیاری از کشورهایی که از لحاظ اطلاعات فقیر هستند، عدم توازن اطلاعات جهانی را تنها موجب تداوم فقر فناوری نمی‌دانند، بلکه آن را تهدیدی برای استقلال فرهنگی ارزیابی می‌کنند. به طور کلی عادات، آداب و رسوم، سنن، زبان‌ها، گویش‌های محلی و اشکال مختلف نهادهای فرهنگی با ورود امواج محصولات فرهنگی و کالاهای مصرفی خارجی نابود شده تلقی می‌شوند و موجب زوال تفاوت‌های فرهنگی و ایجاد یکسان‌سازی فرهنگی می‌شود. به طوری که مثلاً فرهنگ "مک دونالد" را به عنوان فرهنگ جهانی مطرح می‌سازد. به گفته بارنت و کاواناک، مدیران ارشد "کوکاکولا" به خاطر جهانی فکرکردن و جهانی عمل کردن بر خود می‌بالند. یک آگهی تجاری طولانی، کوکاکولا را در المپیک زمستانی به ۱۲ زبان برای ۳/۸ میلیارد نفر تماشاگر در ۱۳۱ کشور جهان پخش کرد.

در کشورهایی که ارزش‌های غربی مهاجمان ناخوانده و نامطلوب تلقی می‌شوند، نخبگان حکومتی و متولیان فرهنگ ملی در این اندیشه‌اند، که چگونه می‌توانند مرزهای سرزمینی را از لحاظ فرهنگی تسخیرناپذیر سازند. در کشورهایی که تحول سیاسی از نوع غربی آن در جریان است، نگرانی از نفوذ و تأثیر رسانه‌های خارجی دو چندان است. نگرانی از اینکه مبادا رسانه‌های بیگانه، جنبش‌های دموکراتیک محلی و فعالیت‌های حقوق بشر را شتاب بخشند.

به رغم تلاش‌های شوروی برای ایمن‌سازی شهروندانش در مقابل جاذبه‌های فرهنگ مصرفی و اخباری که از آن سوی دیوار آهنین به گوش مردم می‌رسید، سرانجام ثابت شد، که همه این تلاش‌ها بیهوده بود. در زمینه تأثیر جریان اطلاعات بر فرهنگ توماس مک‌فیل می‌گوید: «اطلاعات خارجی هر چه عظیم‌تر باشد، خطر برای یک فرهنگ بومی و محلی در آینده بیشتر خواهد بود.» گزارش کمیسیون حکومت جهانی می‌گوید: «قرار گرفتن در معرض فرهنگ‌ها و روش‌های زندگی خارجی از طریق رسانه‌ها، می‌تواند هم بر انگیزنده و هم بی‌ثبات کننده، هم مایه درک و هم مایه حسد شود. نگرانی از اینکه سلطه رسانه‌های فراملی می‌تواند، باعث همگن‌شدن فرهنگ شود و به فرهنگ بومی لطمه بزند، به کشورهای غیر غربی محدود نمی‌شود.

۲.۴. اهمیت و تأثیرات جریان آزاد اطلاعات در عرصه قوانین

جریان آزاد اطلاعات، حقوق مولفان، ناشران، هنرمندان و مالکان آثار علمی را تغییر داده است. نه فقط آثار نویسندگان، هنرمندان و دانشمندان از طریق شبکه‌های فضایی و الکترونی جمع‌آوری، تقسیم و توزیع می‌شود، بلکه بانک‌های اطلاعاتی با دسترسی به اطلاعات موجود محصولات مختلفی را تهیه و به مشتریان جهانی ارائه می‌کند، که کاملاً خارج از حدود کنترل عهدنامه‌ها و مقررات مربوط به حق چاپ و توزیع دهه‌های قبلی است.

در صورت فقدان نظام حقوقی برای حمایت از طرفین رابطه اقتصادی، شبیه‌سازان با سرمایه‌های مالی خود وارد میدان می‌شوند و از نمونه محصول اصیل، کالاهای مشابه تولید می‌کنند. و چون هزینه‌ای جز خرید مواد اولیه و تبدیل آن مواد ندارند، به قیمت بسیار پایین‌تری آن را عرضه می‌کنند و در نتیجه پدید آورنده اصل نمی‌تواند سرمایه‌های انباشته شده خود را با فروش محصول اصل جبران کند. ادامه این روند به تدریج انگیزه ابتکار و ابداع را در مخترعان و مبتکران از بین می‌برد و میدان توسعه محصول به دست کسانی می‌افتد، که از ابتکار بی‌بهره‌اند. از طرف دیگر چون قانون حمایت از مصرف‌کننده وجود ندارد و خساراتی که در نتیجه استفاده از محصول بی‌کیفیت به جان و مال مصرف‌کنندگان وارد می‌شود، بدون جبران می‌ماند. این جریان که در صنعت نرم‌افزار به صورت کپی رایت محصولات اصیل رواج دارد، آثار ناگوارتری دارد. عدم وجود نظام حقوقی مالکیت‌های فکری، به تدریج کشور را مرکز ورود کالاهای تقلبی و خطرناک از مصرف گذشته می‌سازد. در مورد جریان اطلاعات چاره‌ای جز این نیست، که دیدگاه قانون‌گذار با رویکرد اصولی شکل گیرد و به جای تصویب قوانین متعدد مربوط به آزادی اطلاعات، قوانین متعددی در زمینه استثنائات مربوط به آزادی اطلاعات تصویب شود.

۲.۵. اهمیت و تأثیرات جریان آزاد اطلاعات در عرصه دانش و ارتباطات

با توسعه بزرگراه‌های اطلاعاتی، امکان نقل و انتقال و دسترسی به دانش و دانستنی‌ها، علم و هنر، کتاب‌خانه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی به طور قابل توجهی افزایش یافته است. ولی

حفظ و ادامهٔ تنوع این مراکز علمی، هنری و آموزشی تحت شرایط کنونی مورد تهدید واقع شده است. در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بزرگراه‌های اطلاعاتی، اگر آسایش و منافع جمعی و اجتماعی در نظر گرفته نشود، در نتیجه تفریحات و سرگرمی‌های گوناگون به جای دانش به مردم عرضه شده، علم و هنر به صورت آگهی و کالا به مشتریان عرضه می‌شود. تجارتی و خصوصی کردن کتابخانه‌های ملی و استفادهٔ بازرگانی شرکت‌ها در فروش اطلاعات، یکی از تأثیرات ایجاد بزرگراه‌های اطلاعاتی در چارچوب اقتصاد سرمایه‌داری و بازارهای آزاد است.

سلطهٔ رسانه‌ای و جریان فزایندهٔ اطلاعات، ضمن برخورداری از توانایی کافی برای کنترل و اعمال نفوذ بر منابع خارجی از قابلیت مضاعف در شکل‌دهی به نظرات سیاسی بهره‌مند است. بنابراین از این حیث مسئله امنیتی جدیدی محسوب می‌شود، که مختص به پیشرفت‌های فناوری اطلاعات است و جنبهٔ جهانی دارد. در این خصوص هانریدر کشورها را به دو دسته "جوامع تسخیرپذیر" و "جوامع تسخیرناپذیر" تقسیم‌بندی می‌کند. در جوامع تسخیرپذیر که ملاک آن کشورهای دموکراتیک غربی است، جریان آزاد اطلاعات و آزادی ارتباطات به صورت یک رسم معمول پذیرفته شده است، که هیچ تهدیدی علیه نظام و ترتیبات اجتماعی اعمال نمی‌کند. اما در جوامع جهان سوم که موضوع جوامع تسخیرناپذیر است، جریان آزاد اطلاعات با توجه به نظام سیاسی غیر دموکراتیک حاکم بر آن‌ها به شکل فزاینده‌ای با کنترل مؤثر و شدید حکومت محدود می‌شود. زیرا تلقی حاکمان از این روند این است، که آزادی ارتباطات و اطلاعات ثبات و آزادی کشور را تهدید می‌کند. سه دلیل عمده چرایی چنین برداشتی از گسترش جریان آزاد نزد این دسته از نخبگان سیاسی را می‌توان به شکل زیر بیان کرد:

- این مسئله آن‌ها را وارد یک رقابت نابرابر و غیر سودمند با شرکت‌ها و دولت‌های قدرتمند خارجی می‌کند.
- ثبات و امنیت اجتماعی را بی‌ثبات می‌کند.
- استفاده شرکت‌های چند ملیتی از تکنولوژی اطلاعاتی در بازارهای اقتصادی، ممکن است تأثیر منفی بر اقتصاد بگذارد.

به طور کلی شایسته است بگوییم، به واسطهٔ نقش ارتباطات در فهم و کاربرد قدرت، چارچوب قدرت سیاسی نیز متحول شده است. چنانچه در بررسی مبانی مشروعیت دولت‌ها، اقتدار و نیروی نظامی و انتظامی جای خود را به دموکراسی و حقوق بشر داده است، که همین امر نتیجه جریان آزاد اطلاعات میان انبای بشر است.

جریان آزاد اطلاعات باید دو طرفه باشد. تمرکز خبرگزاری‌ها، تسهیلات مخابراتی، رسانه‌های جمعی، منابع اطلاعاتی و سازندگان تجهیزات ارتباطی در کشورهای پیشرفته جلوی هرگونه فرصت یک جریان آزاد را میان شرکای متساوی الحقوق می‌گیرند. مفهوم جریان آزاد اطلاعات در عمل به سود کسانی کار کرده است، که دارای بزرگ‌ترین منابع ارتباطاتی‌اند. یعنی

کشورهای غنی تر و سازمان های اطلاعاتی بزرگ تر مثل بانک های داده ها و خبرگزاری ها و ... در سطح ملی، اطلاعات از سطوح بالا به عموم مردم انتقال می یابد، و در سطح بین المللی، از آن هایی که دارای پیشرفته ترین وسایل اند، به آن هایی که صاحب کم ترین امکانات هستند و از کشورهای بزرگ صنعتی به کشورهای کوچک تر انتقال می یابد. این جریان یک طرفه بازتابی است، از ساختارهای مسلط سیاسی و اقتصادی جهانی که به دائمی شدن وابستگی کشورهای فقیر به کشورهای غنی منجر می شود. اگر موجبات عدم توازن ها از بین برود، زمینه بروز بسیاری از استدلال ها برای محدود کردن جریان آزاد اطلاعات وجود نخواهد داشت. عدم توازن کیفی اطلاعات، به شرطی سازی معروف شده است. یعنی آنچه در جهان سوم روی می دهد تصویر تحریف شده ای است. بنابراین نتیجه گیری می شود که همه مردم، در جریان آزاد اطلاعات سودی فراگیر دارند و باید شرایط انجام آن را ایجاد کنند. در دنیای کنونی و با توجه به پیشرفت های فناوری اطلاعات و ارتباطات و سرعت انتقال اطلاعات از یک نقطه به سایر نقاط جهان و کم رنگ شدن مرزهای ملی، عدم توازن جریان آزاد اطلاعات میان ملت ها و دولت ها رفته رفته کمتر و کمتر می شود.

۶.۲. اهمیت و تأثیرات جریان آزاد اطلاعات در عرصه بهداشت و درمان

یکی از مهم ترین فاکتورهای جریان آزاد اطلاعات گسترش بهداشت و سلامتی و به کارگیری منابع دست نخورده در این زمینه است. سازمان های بهداشت و درمان از طریق جریان اطلاعات بر روی پروژه های زیر ساختی متمرکز می شوند، تا بر تعداد مراکز بهداشت و کلینیک ها افزوده، بیماری ها و امراض را ریشه کن می کنند. فناوری "پزشکی از راه دور" — استفاده از مخابرات الکترونیکی و فناوری اطلاعات برای تأمین و پشتیبانی خدمات پزشکی از راه دور — در تلاش است، دسترسی به نیازهای اولیه و پایه پزشکی و بهداشتی را برای ملت های سراسر جهان فراهم کند. با استفاده از سیستم های تله کنفرانس و مشاهده از راه دور، پزشکان می توانند رو در رو با یکدیگر بحث و تبادل نظر کنند و نتیجه تحقیقات و آزمایشات را با یکدیگر مبادله کنند. بهداشت و درمان از راه دور که دامنه وسیع تری از پزشکی از راه دور است، عبارت است از: استفاده از اطلاعات الکترونیکی و فناوری مخابراتی از راه دور برای تأمین خدمات پزشکی از راه دور، آموزش بیماران و آموزش های حرفه ای مربوط به بهداشت و درمان، بهداشت عمومی و مدیریت بهداشت و درمان. در سال ۲۰۰۳ پیمان توسعه جهانی "USAID" مبلغ یک میلیون دلار برای توسعه شبکه تله پزشکی در آمریکای لاتین و کارائیب سرمایه گذاری کرد. همچنین شرکت مخابرات جهانی "ایتلتست" امکانات ماهواره ای و باند پهن مورد نیاز را در این زمینه اهدا کرد.

۲.۷. آثار تصویب قانون آزادی اطلاعات و حق دسترسی

تدوین قوانین آزادی اطلاعات و حق دسترسی، به کشورهای برخوردار از دموکراسی و ثروتمند محدود نمانده است. بلکه تصویب قوانین در هند، مکزیک، لهستان، مجارستان، کره جنوبی، لیتوانی، گرجستان، زیمبابوه، توباگو، بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، آفریقای جنوبی و ... نشان می‌دهد، که دسترسی آزاد به اطلاعات نقش قاطعی در اقتصادها و دموکراسی‌های در حال توسعه و در حال گذار ایفا می‌کند.

توماس هارت و کارولین وزل دو تن از متخصصان آلمانی، آزادی اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات و فواید تصویب قانون آزادی اطلاعات را چنین بر می‌شمرند:

۱. شفافیت. قانون آزادی اطلاعات با استقرار اصل انتشار علنی تمامی اطلاعات دولتی، فضای تفاهم، اعتماد و همکاری را میان شهروندان و دولت به وجود می‌آورد. به اعتقاد صاحب‌نظران، پرهیز شهروندان از مشارکت در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی به میزان زیادی ناشی از فقدان اطلاعات درباره کنش‌های واقعی دولت‌هاست.

۲. تقویت مشارکت مدنی. تنها هنگامی می‌توان بر بی‌توجهی ناشی از نارضایتی غلبه کرد، که شهروندان باور کنند که حضور آنان در این عرصه جدی تلقی می‌شود و درونداد آنان بر سیاست‌ها و عملکردها تأثیرگذار است.

۳. افزایش کارآمدی. اگر امکانات فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و نوسازی شیوه‌های اجرایی‌ای که از آن به عنوان "دولت الکترونیکی" تعبیر می‌شود، با تصویب و اجرای درست قوانین آزادی اطلاعات همراه شود، به میزان چشمگیری بر کارآمدی نظام اداری کشورها افزوده خواهد شد.

۴. پیشگیری از فساد. یک فرهنگ اجرایی شفاف در مقابله با فساد به مراتب تواناتر است. مثلاً کشور سوئد دارای کهن‌ترین سنت آزادی اطلاعات است و در عین حال یکی از پایین‌ترین نرخ‌های فساد اداری را در جهان داراست.

۵. تقویت فرایندهای اداری اصلاح‌گرایانه. هر چقدر بر میزان شفافیت دستگاه‌های حکومتی افزوده شود، به همان میزان فرایندهای اصلاحی اداره امور تقویت می‌شوند. آثار این امر در سه زمینه قابل مشاهده است:

- ایجاد انگیزه برای نوآوری
- انسجام اجتماعی
- تحول فرهنگی

۳. آزادی مطبوعات و آزادی دسترسی به اطلاعات

در ارتباط میان آزادی مطبوعات و حق دسترسی آزاد به اطلاعات به تبیین مصادیق و تأثیر و تاثرات این دو عنوان بر یکدیگر که موجبات تلازم آنها را فراهم کرده است می‌پردازیم. در

واقع آنچنان رابطه دوسویه‌ای میان این دو موضوع مطرح جهانی برقرار است که از دیدگاه صاحب‌نظران هیچ‌گاه مغفول نمی‌ماند چرا که هرگاه شهروندی توانایی و امکان دستیابی به اطلاعات در اختیار حکومت در زمینه‌های مختلف را داشته باشد می‌تواند اثرات مستقیم و غیرمستقیم خود را به طور ملموس آشکار کند. آنچه را که مطبوعات با توجه به اصل آزادی آن مستنداً به اصل ۲۴ قانون اساسی در سایه حفظ حدود و مرزهای تعیین شده آن مستنداً به ماده ۶ قانون مطبوعات در راستای نشر اخبار و اطلاعات جهت تنویر افکار عمومی بر عهده دارد و این نقش در مصادیقی چون فرهنگ، اقتصاد، سیاست و اجتماع نمایان می‌شود. در واقع جایگاه شهروند آگاه از اطلاعات و علاقه‌مند به حق بهره‌مندی وی از جریانات مختلف در عرصه‌های متفاوت حیات اجتماعی‌اش و میزان اهمیت دهی حکومت به این نوع از حق شهروندی گستره مانور مطبوعات و آزادی آن را تعیین می‌کند یعنی اگر حکومت بر طبق بند الف ماده ۲ قانون مطبوعات، رسالت مطبوعات را در نظام جمهوری اسلامی، روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در زمینه‌های گوناگون مذکور در ماده ۱ همین قانون می‌داند، باید بر این باور و اعتقاد باشد که ایصال به این مطلوب در گروی بسط حق دسترسی آزاد ملت به اخبار و اطلاعات در جریان حکومت است. امروزه این حق شهروندی تا جایی که با امنیت ملی در تقابل نباشد، هیچ‌گاه قابل تعیین حدود و حصار نیست و دامنه وسعت حق دسترسی آزاد به اطلاعات، دامنه استقلال و آزادی مطبوعات را مشخص می‌سازد. در ذیل نمونه‌های از پیامدهای تلازم حق دسترسی آزاد شهروندان به اطلاعات و آزادی مطبوعات ذکر می‌کنیم.

۱. زمینه‌سازی مقابله با فساد دولتی (جلوگیری از رانت‌های سیاسی و اقتصادی)
۲. ابزار رسیدن به عدالت (مساوات اطلاعاتی)
۳. زمینه‌ساز شفافیت فعالیت اقتصادی و سیاسی
۴. فراهم آوردن زمینه‌های پاسخگویی حاکمیت و قدرت
۵. برطرف‌کننده خطوط قرمزی که به سلیقه افراد تعیین می‌شود
۶. تأثیر مستقیم در تصمیمات صحیح مردمی در سطح ملی
۷. زمینه‌ساز استقرار و تقویت دولت الکترونیک
۸. فراهم‌کننده رشد و پیشرفت کشور و در نهایت کارآمدی دولت
۹. زمینه‌ساز چابکی نظام اداری و مدیریتی کشور
۱۰. تقویت‌کننده اعتماد عمومی به کارکرد نهادهای حکومت

نتیجه‌گیری

توسعه تدریجی مطبوعات ایران طی سه دهه اخیر و پس از انقلاب اسلامی و نقش فعال آنان در همه عرصه‌های جامعه، در انتقال اطلاعات و طرح مباحث فکری و نظری، در زمینه حدود، حقوق و آزادی‌های مطبوعات گام مؤثری محسوب می‌شود. توسعه حیطه کاری مطبوعات،

عملاً امکان آزادی حقوقی و آزادی بیان و عقیده را فراهم آورده است. پای‌بندی مطبوعات به نظام مقدس جمهوری اسلامی و کمک به پیشبرد و اصول و اهداف این نظام، از سیاست‌های کلی آزادی مطبوعات و وظیفه اصلی آنان است. به فرموده امام رحمه الله: «قلم آزاد، قلمی است که توطئه‌گر نباشد، قلمی آزاد است روزنامه‌ای آزاد است که نخواهد این ملت را به عقب و تباهی بکشد.»

مطبوعات می‌توانند با انتقاد سازنده، بدون توهین و تحقیر و تخریب و ارائه اطلاعات صحیح و تحریف نشده، اعتماد مردم را به خود جلب کنند. مطبوعات سالم منعکس‌کننده نظرات مردم هستند و مسائل و مشکلات جامعه را بدون قصد و غرضی خاص عنوان می‌کنند. مطبوعات باید با بیان حقایق عدالت اجتماعی را در جامعه گسترش دهند. لازم است مطبوعات در انتظار اخبار و یا سایر مطالب اجتماعی، سیاسی اقتصادی، فرهنگی در موارد دیگر، صداقت و درستی را اساس کار خود قرار دهند. مطبوعات سالم آزادی خود را گرو حفظ آزادی جامعه و مردم می‌بینند و با آزادی قلم و بیان و اندیشه، صدمه‌ای به آزادی اجتماعی نمی‌رسانند. از مهم‌ترین وظایف رسانه‌های جمعی، به خصوص مطبوعات، گسترش دانش و اطلاعات مخاطبان در زمینه‌هایی است که امکان دسترسی و تجربه مستقیم از رویدادها و موضوع‌های مختلف برای آنان فراهم نباشد. وظیفه جمع‌آوری، تدوین و انتقال اطلاعات و تأمین نیازهای مخاطبان و مردم در زمینه‌های مختلف به عهده همه رسانه‌های جمعی و به ویژه روزنامه‌ها و مطبوعات است. چنین کارکردی در قانون حق دسترسی آزاد به اطلاعات مد نظر قرار گرفته است. ارتباط تنگاتنگی که بین مردم، مطبوعات و مسئولان وجود دارد، مسئولان وجود دارد. مسئولیت مطبوعات را سنگین و دشوار می‌سازد. مطبوعات به عنوان وسیله‌ای برای انتقال مسائل و مشکلات مردم به مسئولان و پاسخگویی آنان به مردم است. در واقع، مطبوعات به عنوان پل ارتباطی بین مردم و مسئولان انجام وظیفه می‌کنند. رسالت عرفی و اخلاقی مطبوعات ایجاب می‌کند تا حقایق را آن گونه که هست مطرح کنند. و هیچ‌گاه با کتمان حقیقت، صورت مسئله را تغییر ندهند. مطبوعات باید زبان گویایی مردم و زنگ بیداری مسئولان باشند.

منابع

- افروغ، عماد (۱۳۸۰)، *نگرشی دینی و انتقادی به مفاهیم عمده سیاسی*، تهران، دانش و فرهنگ، چاپ دوم.
تانکار، جیمز و ورنر، سورین (۱۳۸۶)، *نظریه‌های ارتباطات*، علیرضا دهقان، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم.
جعفری لنگرودی (۱۳۸۳)، *ترمینولوژی حقوق*.
طباطبائی مؤتمنی (۱۳۸۴)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
مجبی، مرتضی (۱۳۸۶)، *قانون مطبوعات و آیین نامه اجرایی آن*، چاپ سوم.
معمد نژاد، کاظم (۱۳۸۵)، *حقوق ارتباطات*.
هاشمی (۱۳۸۴)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*.

